

بوی شرمی آید

نویسنده: ری بردبری

مترجم: نوشین سلیمانی

فهرست مطالب

- دیدگاه منتقدین ۷
- یادداشت مترجم ۹
- مقدمه ۱۳
-
- بخش اول: تازه‌واردها ۱۵
- فصل یک تا بیست و چهار ۱۷-۱۳۴
-
- بخش دوم- تعقیب ۱۳۵
- فصل بیست و پنج تا چهل و چهار ۱۳۷-۲۵۴
-
- بخش سوم- کوچ ۲۵۵
- فصل چهل و پنج تا پنجاه و چهار ۲۵۷-۳۲۰

یادداشت مترجم

گرفته‌ی نقدهای فوق همه نشان از طبع تخیل‌گونه‌ی ری بردبری دارد. دست‌ها را از زیر چانه بردارید، بی‌حوصلگی را کنار بگذارید. کتابی که در دست دارید قرار است شما را بر پلتای پر نگاه خیال و ترس ببرد. بسیاری از شما دوستان فرهیخته‌ام، بردبری را با آثاری همچون *فارنهایت ۴۵۱*، حکایت‌های مریخی و *مرد مصور می‌شناسید*. ری که به عنوان یکی از برجسته‌ترین نویسندگان آمریکایی قرن بیستم و بیست و یکم شناخته شده است، متولد سال ۱۹۲۰ میلادی بوده و در واکینگان، ایلینوی به دنیا آمده است. *فارنهایت او* حکایتگر یک ویران‌شهر است و دو اثر دیگر که پیش‌تر بدان‌ها اشاره شد درون‌مایه‌هایی علمی‌تخیلی و ترسناک دارند؛ (هرچند ری تنها *فارنهایت* خود را مشمول ژانر علمی‌تخیلی می‌داند. این درحالیست که همگان ری را با فعالیتش در حوزه‌ی ادبیات گمانه‌زنی می‌شناسند. با این حال، به عقیده‌ی اینجانب هیچ‌کدام از حیث بار وحشت با رمانی که هم‌اکنون در دست دارید قابل قیاس نیستند. جهان ادبیات آمریکا، چند سالی می‌شود که فتنان حضور بردبری را حس می‌کند. ری در سال ۲۰۱۲ دار فانی را وداع گفت و به همین مناسبت نیویورک تایمز وی را «مسئول‌ترین نویسنده در وارد کردن بُعد مدرن ژانر علمی-تخیلی به جریان اصلی ادبیات» خواند.

پیش‌تر آثار ترجمه‌شده‌ی بردبری را خوانده و هم از خط داستانی جذاب و گیرای این نویسنده‌ی دوست‌داشتنی و هم قلم توانای مترجمین آن‌ها لذت وافر برده بودم؛ اما اولین بار که آثار ری را به زبان اصلی خواندم برمی‌گردد به دوران تحصیلی‌ام در مقطع کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی، زمانی که در راستای تکمیل کردن منابع پایان‌نامه‌ام مجاب به مطالعه‌ی حجم وسیعی از مبانی گروتسک و کارناوال شدم. لابه‌لای روزهای پرمشغله‌ام در دانشگاه، سعی کردم چند خطی از داستان *بوی شرمی آید* را بخوانم تا کمی با فضای کارناوالسک ادبیات آمریکا خو بگیرم. از همان‌جا بود که دیگر حتی یک روز هم نتوانستم کتاب را زمین بگذارم. بدین ترتیب تصمیم به ترجمه‌ی این کار گرفتم و حال مفتخرم که برگردان این اثر برای اولین بار توسط این حقیر انجام می‌شود. در تمام طول ترجمه‌ی این اثر پر رمز و راز، خود را رفیق جیم و ویل حس کردم... پا به پای ماجراجویی‌هایشان دویدم، سنگ صبور چارلز بودم... هم دلم برای فریک‌ها می‌سوخت و هم ازشان تنفر داشتم... و کابوس شیرین دارک با آن خالکوبی‌های رازآلودش همچنان با من است. با این کتاب همراه شوید و پا به پای شخصیت‌های داستان جرعه‌جرعه ترس و لذت را توأمان مزه‌مزه کنید. آن روز که توانسته باشم این اثر را آن‌طور که شایسته‌ی قلم شیوای ری بردبری و چشمان خوانندگان گران‌قدری چون شماست ارائه دهم، قطعاً به خود خواهم بالید.